

پروندهٔ کودک‌آزاری ترامپ وارد ابعاد پیچیده‌ای شده است

اپستین، ترامپ را خاک می‌کند



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

جهان تا به امروز رسوایی‌های زیادی تجربه کرده اما پرونده اپستین می‌تواند بزرگ‌ترین ننگی باشد که تا ریخه خودمی‌بیند. اصل ماجرا به شخصی برمی‌گردد که با استفاده از روابط قدرت، مقامات مطح سیاسی، علمی و سلطنتی را وارد گرداب خرابکاری‌ها می‌کند. به این صورت که آن‌ها را با هوایمای شخصی خودش به «لبل سینت جیمز»، جزیره‌ای کوچک و خصوصی بین آمریکای شمالی و جنوبی می‌برده و شرایط را برای سوءاستفاده‌های جنسی از نوجوانان کم سن و سال فراهم می‌کرده است. در شبکه‌های اجتماعی به رابطه نزدیک اپستین و ترامپ اشاره می‌شود و در نتیجه، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا متهم به آزار کودکان شده است. ترامپ پیش از این هم پرونده‌های اخلاقی مشابه داشته است و برخی از آن‌ها همچنان باز هستند. هر چند این اتهام به‌تهدایی شرم آور است، اما نباید پرونده پیچیده اپستین را به این روایت محدود کرد. اپستین در نتیجه اتهاماتش بازداشت شده بود و به شکلی مشکوک در زندان مرد. این مرگ مشکوک توجه‌ها را به خود جلب کرد و ابعاد مختلفی از پرونده مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه این بررسی‌ها مشخص شد اپستین روابط نزدیکی با سازمان‌های اطلاعاتی و لابی‌های صهیونیستی داشته‌است. همچنین گمان می‌شود جزیره خصوصی اپستین که به بعدها به «جزیره گناه» ملقب شد، سراسر مجوز به دور بین‌هایی بوده که تحت کنترل موساد هستند و این سازمان با جمع‌آوری اسناد علیه چهره‌های هدف، از آن‌ها باج‌خواهی می‌کند.

معلمی که مهرهٔ اطلاعاتی شد

داستان جفری اپستین یکی از تاریک‌ترین و پیچیده‌ترین روایات معاصر است. فردی با پیشینه‌ای نامشخص، ارتباطاتی گسترده با مقامات سیاسی، علمی و سلطنتی و شبکه‌ای مخوف از سوءاستفاده جنسی و نهادهایی که به جای مهار او، از او حفاظت می‌کردند. اپستین کار خود را در دهه ۱۹۷۰ به عنوان معلم ریاضی در مدرسه‌ای خصوصی در نیویورک آغاز کرد؛ جایی که دانش‌آموزانش فرزندان خانواده‌های متمول بودند. همین جایگاه، نقطه پرتاب و به حلقه‌های قدرت شد. خیلی زود، بدون مدرک دانشگاهی رسمی، وارد وال‌استریت شد و به طرز عجیبی به دنیای مالی و سرمایه‌گذاری دست یافت. اما ثروت ناگهانی و بدون توضیح او، از همان ابتدا ابهام‌برانگیز بود. بسیاری بر این باورند که اپستین چیزی بیش از یک مدیر مالی یا مشاور سرمایه‌گذاری بود؛ او واسطه‌ای بود برای خدمات جنسی، طمع‌سازی، باج‌گیری و شاید هم مأموریتی غیررسمی برای جمع‌آوری اطلاعات از چهره‌های مشهور و قدرتمند.

مسافران جزیرهٔ فساد

اپستین صاحب جزیره‌ای خصوصی در دریای کارائیب به نام «جزیره کوچک سنت جیمز» بود، این مکان، طبق شهادت‌های متعدد، محل سوءاستفاده جنسی سازمان‌یافته از دختران زیر سن قانونی و همچنین پذیرایی از چهره‌های مطرح جهانی بود. افرادی مانند بیل کلینتون، شاهزاده اندرو (عضو خاندان سلطنتی بریتانیا)، دونالد ترامپ، آلن درشویتز (حقوق‌دان مشهور) و بسیاری دیگر از طریق هوایمای شخصی اپستین موسوم به «لولیتا اکسپرس» به جزیره منتقل می‌شدند. در ایین پروازها، معمولاً دختران نوجوان حضور داشتند؛ برخی قربانی، برخی تطمیع‌شده و همه تحت سلطه روانی و مالی اپستین و دستیار وفادارش گیلین مکسول.

شکارگاه اطلاعاتی

یکی از نظر یه‌های قدرتمند درباره اپستین، ارتباط او با سرویس‌های اطلاعاتی

مذاکرات ایران و تروئیکا هفتهٔ آینده انجام خواهد شد

تعویق ماشه در برابر بازگشت بازرسان؟



زهرا طیبی خبرنگار گروه سیاست

کمتر از سه ماه مانده به موعد فعال‌سازی مکانیسم ماشه در شورای امنیت و در حالی‌که رئیس‌جمهور آمریکا مدعی است تأسیسات هسته‌ای ایران را به‌طور کامل نابود کرده است، رسانه‌ها به نقل از منابع آگاه خیردادند ایران و تروئیکای اروپا برای مذاکرات با موضوع هسته‌ای توافق کردند، البته هنوز زمان و مکان دقیقی برای شروع دور جدید مذاکرات در نظر گرفته نشده است اما بر مبنای شنیده‌های «فرهیختگان» مذاکرات با اروپایی‌ها در مورد سازوکار فعال‌سازی مکانیسم ماشه خواهد بود. در مورد سازوکار و دستورکارهای مذاکرات با اروپایی‌ها هنوز مقامات رسمی، اظهار نظری مطرح نکردند، اما گفته می‌شود اروپایی‌ها خواهند نظارت‌های آژانس از حالت تعلیق خارج شود، بازرسان مجدد بازگردندو مدیر کل آژانس نیز بعد از حضور، گزارش را به شورای امنیت و تروئیکا ارائه دهد و پس از آن شورای امنیت در مورد تمدید موعد فعال‌سازی مکانیسم ماشه، تصمیم‌گیری کند، ایده‌ای که در ایران ز پایه خواهانه‌ارزیایی می‌شود. فارغ از آن‌که توافقی حاصل خواهد شد و ایران شرایط اروپایی‌ها را خواهد پذیرفت یا خیر اما می‌بایست در آستانه شروع مذاکرات با اروپا به چند نکته مهم توجه کرد. اعمال فشار برای شروع مذاکره بلافاصله بعد از توقف تجاوز صهیونیست‌ها و اشاره صدراعظم آلمان به این موضوع که اسرائیلی‌ها کار کثیف را برای آن‌ها انجام می‌دهند، اثبات می‌کند. اروپایی‌ها مسیر ی جدا از آمریکایی‌ها در مواجهه با ایران ندارند. بر این اساس باید به این نکته توجه داشت که ضمن آنکه مذاکره با آمریکایی‌ها پایش شرایط اوپلن جدیدی دنبال می‌شود؛ آیداستگاه‌سیاست خارجی، برنامه وپلن هوشمندانه‌ای نیز برای مذاکره با اروپا دارد که صراحتاً در زمین آمریکا برای ادامه فشارها به ایران، بازی می‌کند؟

تهدید ماشه، پلن بعدی

دور از انتظار نبود بعد از توقف جنگ، آمریکایی‌ها برای اعمال فشار به ایران، دست به دامان قواعد بین‌المللی شش‌وند تا ایران را پای میز مذاکره بیاورند. تأکید غربی‌ها به مشروع مذاکرات بلافاصله بعد از جنگ نشان داد اهداف آمریکایی‌ها با حمله نظامی محقق نشده و آن‌ها دوباره دست به دامان دیپلماسی شدند. بالا گرفتن تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه علیه ایران بلافاصله بعد از توقف جنگ این گزاره را اثبات کرد که اروپایی‌ها با هماهنگی آمریکا با تهدید ماشه، خواهان تشدید فشارها علیه ایران هستند. سکوت اروپایی‌ها در دوران تجاوز به ایران و حتی در مواردی استقبال از این تجاوز، این گمانه‌زاشاف کرد که اروپایی‌ها، مخالف آنچه رژیم صهیونیستی و آمریکایی علیه ایران انجام می‌دهند، نیستند و حالا روی میز گذاشتن ماشه قرار است، پازل آمریکایی‌ها برای اعمال فشار علیه ایران را تکمیل کند.

۲



به‌ویژه سیا، موساد و MI۶ است. این احتمال وجود دارد که او اطلاعات مربوط به روابط جنسی، فساد و انحرافات جنسی افراد بانفوذ را جمع‌آوری می‌کرد تا از آن‌ها باج‌خواهی شود یا در بزنگاه‌های سیاسی به کار گرفته شود.

ارتباطات مشکوک اپستین با مقامات صهیونیستی، حضورش در حلقهٔ قدرت‌های جهانی، محافظت‌های عجیب قضایی و نجات او از مجازات‌های قطعی، همگی فرضیه جاسوس‌بودن او را تقویت می‌کنند. روزنامه‌نگاران تحقیقی، از جمله کسانی که سال‌ها روی پرونده او کار کردند، به اسنادی دست یافتند که نشان می‌داد اپستین بارها با افراد مشکوک در نهادهای امنیتی دیدار داشته و حتی پایگاه‌های اطلاعاتی از چهره‌های مختلف را نگهداری می‌کرد.

این فرضیه مطرح می‌شود که خانه‌ها و جزیره اپستین پر از دوربین بوده و ضبط فیلم از سیاستمداران و چهره‌های معروف در موقعیت‌های غیراخلاقی، بخشی از یک پروژه اخاذی یا نفوذ اطلاعاتی بوده است.

در همین راستا، به رابطه اپستین با گیلین مکسول نیز اشاره می‌شود؛ دختر رابرت مکسول، میلیاردر رسانه‌ای بریتانیایی که بعدها مشخص شد با موساد همکاری می‌کره. این نکته، بر شایعه ارتباط اپستین با پروژه‌های اطلاعاتی سایه می‌اندازد و تأیید می‌کند که شاید پشت‌پرده این ماجرا چیزی فراتر از مسائل جنسی باشد.

توافق مجرم با دادستان

در سال ۲۰۰۵ نخستین شکایات رسمی علیه اپستین مطرح شد. پلین فلوریدا بیش از ۳۰ قربانی را شناسایی کرد؛ اما در اقدامی عجیب، دادستان وقت فلوریدا، الکساندر آکوستا با اپستین توافقی عجیب امضا کرد. بر اساس آن، اپستین تنها به ۱۳ ماه زندان با شرایط بسیار آسان محکوم شد؛ آن‌هم با مجوز خروج روزانه برای کار و بازگشت شبانه به زندان!

آکوستا بعدها به عنوان وزیر کار در دولت ترامپ منصوب شد و هم‌زمان با افشای این توافق استعفا داد.

اپستین خفه شد

در سال ۲۰۱۹، پس از افزایش فشار رسانه‌ای و جنبش #MeToo، پرونده اپستین دوباره باز شد. دادستان نیویورک او را به سوءاستفاده جنسی از ده‌ها دختر نوجوان،

قاچاق انسان و تشکیل شبکه جنایتکارانه متهم کرد. فشار افکار عمومی، شهادت قربانیان و انتشار گزارش‌های تحقیقی باعث شد که سیستم قضایی آمریکا ناچار به واکنش جدی شود؛ اما همه این رفت‌وبرگشت‌ها با یک اتفاق غیر منظره و ناگهانی متوقف شد: «خودکشی اپستین در زندان فدرال منهتن».

اپستین در آگوست ۲۰۱۹ در حالی که منتظر دادگاه بود، در سلولش کشته شد. گزارش رسمی، علت مرگ را «خودکشی» اعلام کرد، اما شواهد خلاف این را می‌گفتند. دوربین‌های امنیتی در زمان مرگ او از کار افتاده بودند؛ نگهبانان در آن شب خواب بودند یا مسئولیت خود را ترک کرده بودند؛ کالبدشکافی نشان از شکستگی‌هایی در گردن داشت که بیشتر با «خفه‌کردن» مطابقت دارد تا حلق‌آویز شدن و او تنها چند روز پیش از مرگ، تلاش نافرجامی برای خودکشی داشت که پزشکان زندان آن را بیشتر شبیه به اقدام به قتل توصیف کردند. برخی معتقدند حذف او، پاک‌کردن حافظه‌ای زنده از ارتباطات کثیف قدرتمندان بود.

اجازهٔ پخش نداشتیم

پس از مرگ اپستین، توجه‌ها به گیلین مکسول، شریک و معشوقه او جلب شد. مکسول در سال ۲۰۲۰ دستگیر و در دادگاهی طولانی به ۲۰ سال زندان محکوم شد. اما بسیاری از اسامی موجود در پرونده مکسول محرمانه باقی مانده‌اند. در جلسات دادگاه، بارها خواسته شد که اسامی افراد قدرتمند مرتبط با این شبکه منتشر شود. اما سیستم قضایی آمریکا با دلایلی مانند حفظ حریم خصوصی یا تهدید علیه امنیت ملی، این کار را نکرد. گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه بیش از ۱۵۰ نفر در لیست تماس‌ها، پروازها و برنامه‌های اپستین بودند که هیچ‌گاه نامی از آن‌ها برده نشد.

رسانه‌ها نقش دوگانه‌ای در این پرونده داشتند. از یک‌سو، گزارش‌های تحقیقی برخی خبرنگاران مانند جولی براون در «میامی هرالده» پرونده را دوباره مطرح کرد و منجر به بازداشت دوباره اپستین شد. از سوی دیگر، بسیاری از رسانه‌های جریان اصلی مانند سی‌ان‌ان، ان‌بی‌سی، بی‌بی‌سی و نیویورک تایمز، با این پرونده را نادیده گرفتند، یا گزارش‌هایی کلی و محافظه‌کارانه‌ای ارائه دادند که هیچ خروجی مؤثری نداشت. پسر و همین موضوع و پدوبی از خبرنگار ABC منتشر شد که در آن می‌گفت:

«ما سال‌ها پیش اسناد و شواهد را داشتیم، اما اجازه پخش نداشتیم؛ به‌خاطر فشارهای سلطنتی و سیاسی.»

مخمسۀ ترامپ

ترامپ و اپستین روابط نزدیکی داشته‌اند. او در مصاحبه‌ای با مجله نیویورک در سال ۲۰۰۲ در مورد اپستین گفت: «اون مرد فوق‌العاده و باحالیه و واقعاً باهش بودن خوش می‌گذره. می‌گن اونم اندازه من عاشق خوش‌گذرونی با جنس مخالفه، تازه خیلی جون‌تر از خودش».

یونیویز گزارش داده که دونالد ترامپ، از وال‌استریت ژورنال و روبرت مرداک، غول رسانه‌ای آمریکایی، به‌دلیل انتشار مقاله‌ای درباره روابطش با اپستین شکایت کرده و خواهان ۱۰ میلیارد دلار غرامت شده است.

این شکایت به دنبال گزارش در وال‌استریت ژورنال منتشر شد که ادعان می‌کرد ترامپ در سال ۲۰۰۳ نامه‌تبریک برای تولد اپستین نوشته و در آن به طریحی مستهجن اشاره کرده است. این نامه به‌امضای «دونالد» و جمله «تولدت مبارک؛ امیدوارم هر روز یک راز شگفت‌انگیز دیگر باشد» ختم شده بود.

ترامپ در واکنش، این گزارش را جعلی و اتهام‌آمیز خوانده و تأکید کرده که هرگز چنین نامه‌ای نوشته و حتی نقاشی بلدنیست. او در تروث‌سوشال نوشت: «این زبان من نیست. من هیچ‌وقت در زندگی‌ام نقاشی نکشیده‌ام» اما در گذشته نمونه‌هایی از طراحی‌های ترامپ منتشر شده بود.

شکایت ترامپ از دو خبرنگار، شرکت داون‌جوئز (ناشر وال‌استریت ژورنال) و شرکت نیوزگورپ متعلق به مرداک است. داون‌جوئز در بیانیه‌ای از صحت گزارشش دفاع کرده و گفته با قدرت از آن در برابر شکایت ترامپ دفاع خواهد کرد.

ردپای لابی صهیونیستی

اگرچه ترامپ بعد از قطع رابطه با اپستین، ظاهر خود را از او جدا کرد، اما روند حمایت‌های شدیدش از اسرائیل، به‌ویژه انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس، معامله قرن و پشتیبانی‌های تسلیحاتی سنگین از رژیم صهیونیستی، پرونده را بحث‌برانگیزتر می‌کند. برخی بر این باورند که ترامپ تحت فشار یا نفوذ گروه‌های لابی صهیونیستی قرار داشته و این نفوذ ممکن است در گذشته، از جمله در دوران ارتباطش با اپستین، شکل گرفته باشد.

از سسوی دیگر، جرد کوشنر، داماد ترامپ و یکی از معماران اصلی سیاست خاورمیانه‌ای کاخ سفید، نیز از خانواده‌ای یهودی و از حامیان پرنفوذ اسرائیل بود. ارتباط اپستین با بسیاری از چهره‌های مشابه از این طیف، باز هم این فرضیه را تقویت می‌کند که ماجرا تنها یک پرونده فساد اخلاقی نبوده، بلکه شاید بخشی از یک شبکه چند لایه نفوذ و مهار سیاسی و رسانه‌ای در ایالات متحده بوده است.

رسانه‌های آمریکایی در خدمت صهیونیسم

بسیاری از شبکه‌های رسانه‌ای آمریکا، مثل CNN، NBC، New York Times در ابتدا نسبت به پرونده اپستین سکوت کرده یا آن را کم‌اهمیت جلوه داده‌اند. در حالی‌که این رسانه‌ها نسبت به موارد مشابه در کشورهای دیگر، واکنش‌های بسیار تندتری داشته‌اند.

این سکوت بخشی از یک الگوی گسترده‌تر تلقی می‌شود که در آن چهره‌های یهودی و صهیونیست در رأس رسانه‌ها، نظام مالی و حتی سیاست آمریکا نفوذ دارند و با کنترل روایت‌ها، از افشای کامل چنین پرونده‌هایی جلوگیری می‌کنند. برخی معتقدند این رویه در مورد اپستین به‌طور خاص شدیدتر بوده، زیرا افشای کامل ماجرا می‌توانست شبکه‌ای از افراد صاحب‌قدرت (بسیاری از آن‌ها با پیش‌زمینه یهودی) را درگیر کند.

۱

یا نرسمیدن آن، لازم است به چند نکته اساسی توجه کرد. هم‌زمان با شروع دور تازه مذاکراتی با اروپا، وزیر خارجه پیش‌شرط‌های ایران برای شروع گفت‌وگو با طرف آمریکایی را اعلام کرد که مهم‌ترین آن تضمین عدم شروع مجدد حملات علیه ایران است. نکته اولی که در این میان مورد توجه قرار دارد این است که با توجه به این همکاری و همراهی اروپایی‌ها با مقامات آمریکایی، پیش‌شرط‌ها در گفت‌وگو‌ها با طرف اروپایی مشابه آنچه با آمریکا مطرح شده، در نظر گرفته شده است؟ آیا تضمینی وجود دارد که در میان مذاکرات ایران با اروپا مجدد تجاوز و حملاتی به تأسیسات هسته‌ای ایران صورت نگیرد؟ در ادامه همین هماهنگی و همراهی آمریکایی‌ها با اروپایی‌ها اگر سازوکار مطرح‌شده در توافق احتمالی دوطرف، مورد توافق آمریکایی‌ها نباشد و در مسیر توافق مانع ترائش کنند و آن را نپذیرند، ایران برنامه‌ریزی و سازوکاری برای مواجهه با بدهدیی‌ها در نظر گرفته است؟ بر مبنای آنچه گفته می‌شود، طرف اروپایی حتی تعویق مکانیسم ماشه را مشروط به ارائه گزارش رضایت‌بخش دبیر کل آژانس کرده، با این فرض و با توجه به سابقه روشن گروسی در ارائه گزارش‌های جهت‌دار علیه برنامه هسته‌ای ایران، اگر ایران به تعهدات عمل کند و اروپایی‌ها به خاطر گزارش جهت‌دار گروسی، مکانیسم ماشه را علیه ایران فعال کنند، ایران چه رفتاری خواهد داشت و آیا تضمینی برای جلوگیری از انجام این اقدام در میز مذاکرات خواهد گرفت؟

نکته دیگر آنکه ایران بعد از تجاوز با آمریکا به تأسیسات هسته‌ای، گزینه مذاکره را به‌طور کامل حذف نکرد اما تأکید کرد با برنامه جدید، پای میز مذاکره احتمالی با آمریکا خواهد نشست. حالا و بعد از روشن شدن همراهی اروپا، آیا دستگاه سیاست خارجی با ایده و برنامه تازه و برنامه‌ریزی شده‌ای پای میز مذاکره با اروپا خواهد رفت؟

اگرچه روشن است شروع مذاکره با طرف اروپایی به معنی تأیید یا حسن‌نیت با طرف اروپایی نیست؛ اما نباید از این موضوع غفلت کرد که زمانی که صدراعظم آلمان صراحتاً به این موضوع اشاره می‌کند که اسرائیلی‌ها کار کثیف را برای آن‌ها انجام می‌دهند، بدیهی است مسئول انجام کار‌های کثیف رانیز در جریان مذاکرات خواهند گذاشتند، موضوعی که احتمال کارشکنی صهیونیست‌ها در مذاکرات را دور از ذهن نخواهد کرد.

بر این اساس ضمن آنکه می‌بایست از ابزار تاکتیکی مذاکره، استفاده هوشمندانه‌ای داشت، نباید این گزاره را نادیده گرفت که گفت‌وگو با شرایط مورد اشاره و بدون ابتکار ارائه‌شده از جانب ایران می‌تواند ایران را در موضع ضعف قرار دهد و موجب شود پلن بعدی طرف غربی بعد از توقف تجاوزات اجرائی شود.

۶